

این را هم اضافه کنم که بیشترین بسامد واژه‌ی جمع به دیوان‌های فرخی سیستانی و امیر معزی تعلق دارد، و در این دو دیوان است که بارها لغت جمع با معنی و مفهومی متفاوت با واژه‌ی زلف و اکثراً همراه با این واژه به کار رفته است. ■

منابع و مأخذ

- ۱- دیوان امامی هروی، به کوشش همایون شهیدی، سازمان چاپ و انتشارات علی اکبر علمی، چاپ اول، سال ۱۳۴۳.
- ۲- دیوان امیر معزی، به تصحیح و مقدمه‌ی ناصر هیری، نشر مرزبان، چاپ اول، بهار ۱۳۶۲ ش. ۳-
- دیوان جمال الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، کتابخانه‌ی سنایی، چاپ دوم سال ۱۳۶۲ ش. ۴- دیوان حافظ، دو جلد به تصحیح و توضیح دکتر پرویز نائل خلتری، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم سال ۱۳۶۲ ش. ۵- دیوان حسن دهلوی، به اهتمام سیاحمد بهشتی شیرازی و حمیدرضا قلیچ‌خانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی چاپ اول، سال ۱۳۸۳ ش. ۶- دیوان خواجوی کرمانی، به اهتمام و تصحیح احمد سهیلی خونساری، انتشارات بازنگر چاپ دوم، سال ۱۳۶۹ ش. ۷- دیوان سلمان ساوجی، مقدمه و تصحیح ابوالقاسم حالت به کوشش احمد کریمی، انتشارات «ما» چاپ اول، سال ۱۳۷۱ ش. ۸- دیوان سلمان ساوجی، به تصحیح و مقدمه‌ی دکتر عباسعلی وفایی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، سال ۱۳۷۶ ش. ۹-
- دیوان عماد فقیه کرمانی، به تصحیح رکن الدین همایون فرخ، انتشارات بن سینا، چاپ اول، سال ۱۳۳۸ ش. ۱۰-
- دیوان فخرالدین عراقی، به تصحیح و توضیح خانم دکتر سربین محنتم (خزاعی)، انتشارات زوار، چاپ اول، سال ۱۳۷۲ ش. ۱۱- دیوان فرخی سیستانی، به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی، انتشارات زوار، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۱ ش. ۱۲- دیوان کمال خجندی، دو جلد پژوهش و تحقیق ایرج گل سرخی، انتشارات سروش، چاپ اول، سال ۱۳۷۴ ش. ۱۳- دیوان منوچهری دامغانی، به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی، انتشارات زوار، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۰ ش. ۱۴- دیوان ناصر خسرو قبادیانی، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۶۸ ش. ۱۵- غزلیات سعدی، به تصحیح حبیب یغمایی، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، سال ۱۳۶۱ ش. ۱۶- نزهت المجالس، تألیف جمال خلیل شروانی، به تصحیح و مقدمه‌ی حواشی و توضیحات دکتر محمد امین ریاحی، انتشارات زوار، چاپ اول، سال ۱۳۶۶ ش. ۱۷- دیوان مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (دیوان شمس)، براساس چاپ استاد بدیع الزمان فروزانفر، به تصحیح و اعراب‌گذاری کاظم برگ‌نسی، شرکت انتشارات فکر روز، چاپ اول ۱۳۸۱ ش. ۱۸- دفتر دیگر سانی‌ها در غزل‌های حافظ، تنظیم دکتر سلیم نیساری، جلد اول، انتشارات سروش، چاپ اول، سال ۱۳۷۳ خورشیدی.

مفاخر فرهنگی ایران

از فردوسی و حافظ تا علامه طباطبایی و ...

محسن رحیمی داروگر

این‌جانب افتخار شاگردی استاد حسن رهبرزاده را دارم و در کلاس‌های ایشان به‌مدت شش ماه در رابطه با علوم روحی و ماوراءالطبیعه، خودشناسی و خدانشناسی شرکت کردم. انسان در زندگی‌های جدید رو به تکامل می‌رود، و این که روح انسانی برای سختی و عذاب به درخت یا حیوان حلول می‌کند صحیح نیست. در مجموع بشر چهار نوع حالت روحی دارد تقسیم‌بندی به این حالت است:

۱- بشر: مثل جنایت‌کاران انسان‌های بی‌رحم که تقریباً خوی حیوانی دارند. ۲- آدم: شخصی که فقط به فکر خود و منافع شخصی و خانواده‌اش است و برایش مسائل اجتماعی و کشوری و فرهنگی اصلاً مطرح نیست. ۳- انسان: کسی است که هم به خود و هم به اجتماع فکر می‌کند و انسان‌دوست و خانواده‌دوست است. ۴- انسان‌اولی: انسان‌های اولی اشخاصی هستند که خود را فنا می‌کنند برای جامعه و پیشرفت آن تا رسیدن به سرحد کمال، در حقیقت در تمامی زمینه‌ها خطر را قبول می‌کنند، مثل شهیدان که برای حفظ جان و مال و فرهنگه ناموس مردم و کشور رفتند. مثل شخص شما که برای توسعه‌ی فرهنگ در کشور از هیچ کاری دریغ نمی‌کنید و تمام فکر و صحبت‌های‌تان فقط ایران و حفظ فرهنگ بسیار زیبای پارسی‌ست مثل امثال مصلح‌ها و فاطمی‌ها.

بس روح در جامعه‌ی بشری به چهار دسته تقسیم می‌شود و انسان اولی پس از مردن دیگر بازگشتی به کوه‌ی زمین یا کرات دیگر نخواهد داشت و به دریای لایتناهی عرش کبریایی می‌رود و قطره‌ی است که به آسمان هفتم و یا عرش خلتاوند می‌رسد و خود دریا می‌شود. چرا نباید از طریق فلسفه، امام حسین، امام علی و پیامبر را شناخت. فقط از طریق روایت‌های ناصحیح و حدیث‌های جعلی و نوحه‌سرایی و به سر و سینه زدن نمی‌شود این بزرگواران را شناخت و بزرگانی معاصر چون علامه محمدرضا جعفری، علامه سید محمدحسین طباطبایی، کتاب‌های ارزشمندی در رابطه با مسایل دین و امام‌شناسی و خدانشناسی و ... نوشتند. تا به کی سمت خرافات و بیهوده‌گویی؟ باید پوسته را کنار زد و به مغز دین رسید. تفسیر گران‌سنگ المیزان علامه طباطبایی در ۲۰ جلد که خلاصه‌ی آن در ۴ جلد هم است باید مطالعه شود. تفسیری که خود نیاز به فهم بالا و تفسیر دارد. یعنی به‌عبارت دیگر تفسیر را تفسیر کردن و سایر کتاب‌های ایشان یا فلسفه‌ی دین علامه محمدرضا جعفری و یا کتاب‌های دیگر ایشان مثل امام حسین پیشرو راه انسانیت و غیره نه با یک‌سری خرافات مغز و روح خود را مشغول و زندگی را به خود و اطرافیان جهنم کنیم و در آخر از کتاب‌های علامه حسن‌زاده آملی، دکتر داریوش شایگان و شخص شما پروفیسور امین باید استفاده کرد. خصوصاً تاریخ حقوق ایران و تحولات عصر پهلوی و سایر کتاب‌های‌تان که این‌جانب ۵ جلد از تالیفات شما را خوانده‌ام. افتخار می‌کنم که یک ایرانی هستم و بدون هیچ‌گونه تعصب دینی مسلمان هستم.

مطمئن هستم فرهنگ پارسی با این تاریخ چند هزار ساله می‌تواند به راحتی خود را به فرهنگ‌های مختلف جهان نشان دهد و پرچم سه رنگ بسیار زیبای ایران در تمامی جهان به اهتزاز درآید. این‌جانب روی سخنم به کلیه‌ی اشخاصی است که این ماهنامه‌ی بارزش ایران‌شناسی را می‌خوانند سعی کنند ماهنامه را به دوستان خود هدیه بدهند و به آن‌ها هم توصیه کنند که ایران باید با ماهنامه‌ی حافظ به دنیا عرضه شود. چه از طریق رسانه‌های تلویزیونی و چه از طریق سایت‌های اینترنتی (شبکه‌ی جهانی کامپیوتر) خوب است که به حقیقت فردوسی بزرگ دنیا دست پیدا کند.

حافظ و فردوسی و ... مخصوصاً فردوسی به‌درستی بعد از کتب آسمانی این انسان حقیقت‌جو در هزار سال پیش هزار سال جلوتر از زمان خود بوده است و مطمئناً روح فردوسی بزرگ آینده‌ی ایران را بهتر از خود ما می‌داند. نقل است که چون فردوسی بزرگ وفات کرد، او را هم در باغ او دفن کردند و از وفات او همه مغموم و مهموم شدند. اما شیخ بزرگوار ابوالقاسم گرگانی به نماز جنازه حاضر نگشت و گفت او به مدح گبران و آتش‌پرستان و اسمار و لابطیل عمر گذرانید. بر چنین کسی نماز نکنم. چون شب درآمد شیخ بهشت را در خواب دید و قصری با عظمت در نظر او درآمد: به آن‌جا در شد. سریری از یاقوت دید. فردوسی بر آن‌جا نشسته تاجی بر سر و دواجی بر تن. شیخ از خجالت خواست که باز گردد. فردوسی برخاست و سلام کرد و گفت: ای شیخ اگر تو بر من نماز نکردی. ایزد تعالی چندین هزار فرشته فرستاد تا بر من نماز کردند و این مقام برای یک بیت است:

جهان را بلندی و پستی تویی

ندانم چه ای هر چه هستی تویی

چون شیخ از خواب بیدار شد پای برهنه و گریبان به مرقد فردوسی شتافت و بر قبر او نماز کرد و چند روز معتکف گشت و تا در حیات بود هر روز به زیارت او رفتی.